



دردسر رینولدز با اژدها

اقتباس زنده سینمایی «دروغ اژدها» از داستان ویدئویی آن، رایان رینولدز را در نقش اصلی خواهد داشت.
تقلیکس که این روزها تهیه کننده اصلی بسیاری از مجموعه‌های اینترنتی و فیلم‌های سینمایی است، نسخه سینمایی این بازی ویدئویی را تهیه می‌کند.
نزدیکان به شبکه تقلیکس می‌گویند، مذاکره برای

ترس از «کینه» قاتل

نسخه تازه کینه که نمونه هالیوودی فیلم معروف حلقه است همچنان مخاطبان را می‌ترساند

ترس همچنان می‌ترساند و تازمانی که

تماشاگران سینما دوست داشته باشند در سالن تریک سینما به وحشت و ترس انداخته شوند، صنعت سینما به تولید فیلم‌های ترسناک و دلهره آور خود ادامه می‌دهد. همین نکته باعث ماندگاری گونه ترس و وحشت شده و هر سال، تعداد زیادی فیلم سینمایی با مضمون ترس و با هدف ترساندن تماشاگران روانه پرده سینماها می‌شود. «کینه» جدید هم یکی از همین محصولات است که موفق به جلب توجه گروه بزرگی از تماشاگران شده است. این درام ترسناک و فراطبیعی، نسخه احیاشده فیلمی به همین نام است که در سال ۲۰۰۴ اکران عمومی شد. البته خود نسخه اصلی هم، نسخه دوباره‌سازی شده انگلیسی زبان یک فیلم بسیار موفق ژاپنی به همین نام بود! نسخه ژاپنی سال ۲۰۰۲ در کشور سازنده اش اکران عمومی شد. در کنار فروش بسیار بالای این نسخه در ژاپن، منتقدان داخلی نقدهای مثبت زیادی برایش نوشتند. به گفته آنها، این فیلم نوع تازه‌ای از فیلم‌های گونه ترس و وحشت را به تماشاگرانش معرفی می‌کرد. در حقیقت، کینه ژاپنی خیلی زود تبدیل به یک گونه جدید سینمای وحشت شد و تعداد زیادی

فیلم با مضمون و حال و هوای آن وارد مرحله تولید شد.

به نوشته نشریه‌هالیوود ریپورتر، هالیوود از چند ماه قبل به فکر دوباره سازی و احیای تعدادی از محصولات پرفروش دو دهه اخیر خود افتاده است. این کار با ساخت کینه جدید شروع شد و قرار است تبدیل به روندی دنباله دار شود. تا قبل از شیوع ویروس کرونا، خبرها حکایت از تولید فیلم‌های احیاشده تازه می‌کرد، اما این روند با از راه رسیدن کرونا فعلا متوقف شده است. اما نکته جالب این‌که تهیه کننده اصلی کینه جدید، کسی نیست جز سام کرینا، تماشاگران سینما اگر چه او را به سه گانه اول «اسپایدرمن / مرد عنکبوتی» با بازی تابی مگوائر می‌شناسند، اما از علاقه مفرط او به گونه وحشت اطلاع دارند و می‌دانند کارگردان چند فیلم مهم و موفق این گونه پرترفدار بوده است.

دوباره‌سازی

ریمی برای کارگردانی کینه جدید به سراغ نیکلاس پسه رفت. پسه در گفت و گویی از علاقه خود به نسخه اصلی ژاپنی صحبت و اعلام کرد از طرفداران دوآتشه فیلم سال ۲۰۰۴ و قسمت‌های بعدی آن بوده است. این علاقه به دورانی قبل از آن برمی گردد که هالیوود تصمیم به تولید نسخه دوباره سازی انگلیسی زبان

آن در سال ۲۰۰۳ بگیرد. فیلمساز به این موضوع هم اشاره می‌کند که «چن گیر» (محصول ۱۹۷۳ که روح تازه‌ای به گونه ترس و وحشت داد و خیلی زود تبدیل به یک کالت کلاسیک سینمایی شد) هم الهام بخش او در ساخت فیلمش بوده است.

احیای داستان اصلی

زمانی که بحث تولید کینه جدید مطرح شد، تهیه‌کنندگانش با این پرسش روبه‌رو بودند که آن را تبدیل به دنباله‌ای بر قسمت قبلی آن کنند یا به احیای داستان اصلی بپردازند. نسخه دوباره‌سازی شده فیلم، صاحب دو دنباله شد و فیلم پسه به نوعی چهارمین قسمت آن به حساب می‌آید. ابتدا قرار بود آدام گرین آن را کارگردانی کند، او سال ۲۰۱۱ مذاکرات با تهیه‌کنندگان فیلم را شروع کرد. اما نتوانست با آنها بر سر نوع داستان فیلم به توافق برسد و از پروژه کنار کشید. آن زمان این بحث مطرح بود که کینه جدید برای نمایش عمومی در سال ۲۰۱۳ یا ۲۰۱۴ آماده شود. اما نتیجه بحث‌ها در دو شرکت مستقل فیلمسازی سونی و گوست‌هاوس پیکچرز به اینجا رسید که بهتر است کینه تازه، به احیای داستان و ماجراهای نسخه اصلی بپردازد. جف بوهلر فیلمنامه را نوشت و پسه که به عنوان کارگردان انتخاب شده

بود، کار دوباره نویسی آن را انجام داد.

داستان نسخه جدید تقریبا همان چیزی است که تماشاگران در قسمت‌های قبلی آن دیده اند. مضمون اصلی داستان در ارتباط با خانه نفرین شده و جن زده ای است که هرکسی وارد آن می‌شود، درگیر نفرین ساکن اصلی شده و به شکل مرموزی به قتل می‌رسد. در اینجا، یک خانم خانه دار دست به قتل عام اعضای خانواده اش در این خانه زده است. او بعد از بازگشت از ژاپن، یک نفرین ابدی را همراه خود می‌آورد و همین نفرین است که باعث گشتارهای بعدی می‌شود. آندریا رایسبورگ در کینه تازه، یک مادر مجرد است که با تنها فرزندش زندگی آرامی دارد. او که در اداره پلیس کار می‌کند وسوسه می‌شود راز و رمز مربوط به یک قتل عام خانوادگی را کشف کند. همکارانش او را از نزدیک شدن به این پرونده و خانه نفرین شده منع می‌کنند. به‌زودی اتفاقات عجیب و غریبی برای این مأمور پلیس می‌افتد و او احساس می‌کند یک روح خطرناک به خانه اش رفت و آمد دارد. نفرینی که حالا پایش به منزل این زن رسیده، درصد از بین بردن او و فرزندش است.

کینه با هزینه معمولی ده میلیون دلاری خود، توانست ۵۰میلیون دلار در آمریکا و دیگر نقاط دنیا فروش کند. با توجه به

قسمت آن را سال ۱۹۸۳ ارائه کردند. شوالیه‌ای به نام رک، شخصیت اصلی داستان است که می‌خواهد جان یک شاهزاده خانم را نجات دهد. شخصیت شرور داستان اژدهایی بد طینت است که دستکاری باهوش دارد. رینولدز که در مجموعه اکشن ابرقهرمانانه «ددپول» بازی داشته، در دروغ اژدها نقش شوالیه را به عهده دارد. / ویریتی



این که فیلم هیچ بازبرگر سرشناسی نداشت، این رقم فروش برای مدیران شرکت سونی خوب و بالا بوده است. به همین دلیل، آنها اعلام کردند تولید قسمت‌های بعدی فیلم را هم در دستور کار خویش قرار داده اند. به باور آنها، نیکلاس پسه کارش را بسیار خوب انجام داده و فیلمی شبیه آنچه تاکاشی شیمیزو ساخته بود، کارگردانی کرده است. شیمیزو که سازنده دو فیلم ژاپنی کینه بود، دو قسمت اول و دوم نسخه آمریکایی زبان را هم با بازی سارا میشل گلر کارگردانی کرد. اگر چه کارگردانی سومین قسمت انگلیسی زبان در سال ۲۰۰۹ به او سپرده نشد، اما به عنوان مدیر تولید و مشاور کارگردان با این فیلم همکاری کرد. کینه جدید در عین حال اولین قسمت از این مجموعه فیلم است که با درجه نمایشی آر (ممنوعیت حضور تماشاگران زیر ۱۷ سال به داخل سالن نمایش) اکران عمومی شد. البته سومین قسمت هم با همین درجه نمایش اجازه نمایش عمومی گرفت. اما این فیلم در سالن‌های سینماها اکران عمومی نشد و مستقیما سر از بازار ویدئویی درآورد. پسه اعلام کرده اگر دومین قسمت کینه را کارگردانی کند، دوست دارد و ترجیح می‌دهد داستان آن را به نقطه‌ای خارج از آمریکا ببرد. پیشنهاد او جایی در استرالیا، اروپا و حتی قاره آفریقاست.

روایت‌های تازه از فیلم‌های ترسناک موفق قدیمی

شاید زمانی صنعت سینما در فکر تولید نسخه‌های تازه و احیا شده محصولات کلاسیک و بسیار قدیمی خود بود. اما این روزها این زمان کوتاه و کوتاه ترمی شود و صحبت تولید نسخه‌های تازه از فیلم‌هایی است که عمرشان به ۲۰ سال هم نمی‌رسد! با این حال، این فیلم‌ها در زمره محصولات پرسروصدایی قرار می‌گیرند که در زمان نمایش عمومی شان، بسیار موفق عمل کرده و برای خودشان هویت مستقل هنری پیدا کرده‌اند. جردن پیل سیاه پوست که با درام ترسناک «برو بیرون» تماشاگران را با گونه ترس آشتی دوباره ای داد، به دنبال تولید یک «کندی من» جدید است. البته او خودش این فیلم را کارگردانی نخواهد کرد و فقط تهیه کننده اش است. او که از دوستداران نسخه اصلی است، قصد ارائه تصویری تازه و متفاوت از داستان این فیلم موفق را دارد. پجیی عبدل متین برای بازی در نقش اصلی این نسخه انتخاب شده است. او در قالب آنتونی مک کوی هنرمند ظاهر می‌شود که با ورود به محل کار جدیدش با افسانه‌ای روبه‌رو می‌شود که بسیار ترسناک است و به‌زودی رنگ و اقعیت به خودش می‌گیرد. نیا داکوستا کارگردانی نسخه تازه کندی من را به عهده دارد. پیل اولین هنرمند سیاه پوست دنیای سینماست که توانسته اسکار بهترین فیلمنامه‌اصیل و غیراقتباسی را برای برو بیرون بگیرد. این فیلم در نودمین دوره مراسم اسکار، نامزد دریافت جایزه بهترین فیلم هم بود که یک موفقیت بزرگ برای هنرمندان سیاه پوست به حساب می‌آید. اما آنچه می‌تواند برای تماشاگران سینما شوک‌آور باشد، خبر احیای داستان «مقصد نهایی» است. این

نمایی از فیلم جیغ

از جنس ایرانی، اما کمیاب

رادر گونه ترس ارائه داده است. تماشاگران سینما در دهه ۶۰ با ماجراهای «شب بیست و نهم» بسیار ترسیدند و حمید رخشانی کارگردان آن با داستانی برگرفته از باورهای قدیمی ایرانی، توانست فیلمی جذاب و قابل قبول و متناسب با روحیه و خلق و خوی ایرانی ارائه دهد. اما این تجربه موفق نه‌از سوی کارگردان و تهیه‌کنندگان این فیلم ادامه یافت‌ونه‌از سوی بقیه هنرمندان دنبال شد. سال‌ها بعد از آن در اوایل دهه ۸۰، محمد حسین لطیفی که در تمام گونه‌های سینمایی تجربیاتی را به نام خودش به ثبت رسانده و برای تلوزیون هم تعدادی مجموعه کارگردانی کرد، با «خوابگاه دختران» تماشاگران را به دنیای ترس و دلهره برد و آنها را به شدت ترساند. ترکیب بازیگران فیلم حکایت از کاری کم‌دی می‌کرد و بسیاری بابت تماشای فیلم کم‌دی راهی سالن‌های نمایش شدند. نوع واکنش تماشاگران، سازندگان خوابگاه دختران را وارد کرد تا چند روز بعد از اکران عمومی آن، اطلاعیه داده‌و به تماشاگران توضیح بدهند با درامی ترسناک روبه‌رو هستند! سنت درجه‌بندی محصولات سینمایی هم بعد از این فیلم بود که رونق گرفت و تیتَر «تماشای این فیلم مناسب حال تماشاگران زیر ۱۶سال نیست»، بر سر در سالن‌های نمایش فیلم نقش بست. استقبال بالای مردم از این دو فیلم، نشان از علاقه شان به تجربه ترسی از جنس ایرانی در داخل سالن تارک‌نمایش بود. اما متاسفانه پیام‌روشن‌و واضح تماشاگران از سویی دست‌اندرکاران سینمای ایران، هم شنیده نشد و هم جدی گرفته نشد.

اساس است. سازندگان مجموعه به این نکته مهم توجه نداشتند که داستان و صحنه‌های ترسناک مربوط به این دو فیلم موفق و پرفروش سینما، برگرفته از فرهنگ کهن کشور سازنده اش در شرق آسیا است. حتی نسخه‌های انگلیسی زبان این فیلم‌های ژاپنی، تلاش کرده‌اند به داستان فیلم‌هایشان رنگ و بویی آمریکایی بدهند تا برای تماشاچی غربی آن داستان‌های عجیب و غریب باور کردنی به نظر برسد. سال‌ها قبل از این، ساموئل خاچیکیان، هنرمند ارمنی تبار ایرانی با فیلم‌هایش گونه ترس و وحشت را به سینمای ایران معرفی کرد. او حتی برای تعدادی از آنها نام ترسناکی چون «دلهره» و «اضطراب» را هم انتخاب کرد. خاچیکیان که لقب «افرد هیچ‌کاک ایران را گرفت، تلاش داشت سوژه‌های ترسناک فیلم‌های غربی را به ژبانی ایرانی و متناسب با فرهنگ کشورش به تصویر بکشد. استقبال تماشاگران از ساخته‌های خاچیکیان حکایت از موفقیت نسبی او در این کار داشت. سینمای ایران در دوران قبل از انقلاب نام دیگری را در کنار نام این فیلمساز در گونه ترس به ثبت نرسانده است.

در دوران بعد از انقلاب گونه ترس به نوعی به دست فراموشی سپرده شد. نه تنها نام هیچ فیلمسازی به عنوان کارگردان گونه وحشت به ثبت نرسید، بلکه فیلمساز مطرح این گونه در قبل از انقلاب هم به سراغ ساخت فیلم‌هایی در گونه‌های دیگر (به عنوان مثال «عقابها» در گونه جنگ) رفت. با وجود این سینمای بعد از انقلاب دو فیلم موفق و مطرح

زمانی که بحث ترساندن تماشاگران به سینمای ایران می‌رسد، ناگهان با یک لکت ر وپه‌رو می‌شویم. سینمای ایران از دیرباز علاقه چندانی به تعریف روایت‌های ترسناک روی پرده سینماها نداشته است و گونه ترس و وحشت به نوعی در ایران مهجور بی‌کس مانده است. دلیل اصلی این امر در وهله اول در نبود داستان و سوژه‌های مناسب برای این نوع سینما و از سویی دیگر ناتوانی فیلمسازان در خلق یک فضای خوف‌انگیز و ترسناک است. فیلمسازان خارجی برای انتخاب سوژه در گونه وحشت، به نوعی دستشان باز است. آنها می‌توانند یک قاتل زنجیره‌ای یا یک دیوانه‌اره به دست‌رادر دل یک شهر بی دروپیکر رها کرده و قتل عامی و وحشتناک و ترسناک به پا کنند. اما سینمای ایران یک جوهرایی از این امکانات محروم است. این نکته را هم باید به خاطر داشت که در صورت وجود چنین داستانی با چنین شخصیت‌هایی، بعید به نظر می‌رسد فیلمنامه نویس ایرانی بتواند فضایی رعب آور خلق کند. از سویی دیگر، بحث توانایی هنرمندان ایرانی در خلق فضایی ترسناک مطرح می‌شود. آیا آنها با توجه به بضاعت درونی و بیرونی سینمای ایران می‌توانند خالق صحنه‌هایی باشند که قرار است تماشاگران را به وحشت انداخته و ترسانند؟

صحنه‌های ترسناک معدود فیلم‌های گونه ترس سینمای ایران، بیشتر تقلیدی ناشیانه از صحنه‌های ترسناک فیلم‌های مشابه خارجی بوده است. اجرای این صحنه‌ها هم معمولا ناشیانه و مبتدی بوده است. مجموعه ویدئویی «احضار» تازه‌ترین نمونه از این دست است. نه تنها داستان مجموعه تقلیدی از فیلم‌های معروف جدید گونه ترس همچون «کینه» و «حلقه / زنگ تلفن» است، بلکه پرداخت آنها بر همین



صادق صفایی در «خوابگاه دختران»